مجموعه تست‌های طبقه‌بندی شده

حقوق بین‌الملل عمومی

قابل استفاده داوطلبان آزمون‌های کارشناسی ارشد

روابط بین‌الملل- دیپلماسی- اندیشه سیاسی- حقوق بین‌الملل

- طراحی بیش از ۲۰۰۰ سوال تألیفی از مهمترین منابع حقوق بین‌الملل عمومی
- با پاسخ‌های کاملاً تشریحی همراه با رفرنس‌دهی به منابع مرجع
- خلاصه مهمترین نکات کلیدی و آزمونی حقوق بین‌الملل عمومی
- به انضمام نمونه سوالات آزمون کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل ۹۶ تا ۱۴۰۰

مؤلفین:

علی صفیارپور (رتبه ۱ مجموعه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل)

پریسا پسیانی (رتبه ۱۲ مجموعه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل)

انتشارات اندیشه ارشد

فهرست مطالب

بخش اول نمونه سوالات تالیفی ۷

پاسخنامه بخش اول نمونه سوالات تالیفی ۲۶۷

خلاصه نکات کلیدی حقوق بین الملل عمومی ۴۵۱

بخش دوم نمونه سوالات تالیفی حقوق بین الملل عمومی ۴۵۹

پاسخنامه بخش دوم نمونه سوالات تالیفی حقوق بین الملل عمومی ۶۸۸

خلاصه نکات کلیدی حقوق بین الملل عمومی ۸۸۴

سوالات آزمون کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل سال ۱۳۹۶ .....۹۰۷

پاسخنامه آزمون کارشناسی ارشد حقوق بین الملل عمومی سال ۱۳۹۶ .....۹۱۰

سوالات آزمون کارشناسی ارشد حقوق بین الملل عمومی سال ۱۳۹۷.....۹۱۱

پاسخنامه آزمون کارشناسی ارشد حقوق بین الملل عمومی ۱۳۹۷ .....۹۱۵

سوالات آزمون کارشناسی ارشد حقوق بین الملل سال ۱۳۹۸ .....۹۱۶

پاسخنامه سوالات کارشناسی ارشد حقوق بین الملل سال ۱۳۹۸ .....۹۲۰

سوالات آزمون کارشناسی ارشد حقوق بین الملل سال ۱۳۹۹ .....۹۲۱

پاسخنامه آزمون کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل عمومی سال ۱۳۹۹ .....۹۲۵

سوالات آزمون کارشناسی ارشد حقوق بین الملل سال ۱۴۰۰ .....۹۲۶

پاسخنامه آزمون کارشناسی ارشد حقوق بین الملل عمومی سال ۱۴۰۰ .....۹۳۰

منابع: ۹۳۱

مقدمه

خداوند متعال را شاکرم که بار دیگر توفیق داد که قدمی در راستای رفع دغدغه ی دانشجویان علوم سیاسی از نبودن کتب تستی مناسب یا قدیمی بودن کتب در حوزه ی علوم سیاسی بردارم. با وجود چاپ کتب متعدد در سال های اخیر برای دروس متفاوت علوم سیاسی، اما همچنان خلأ نبودن کتابی جامع در این زمینه احساس می شود. با توجه به استقبال بسیار زیاد از کتب کنکوری چاپ شده ی پیشین توسط تیم تألیف، شامل: **آزمون برتر مبانی علم سیاست، آزمون برتر نظام های تطبیقی، آزمون برتر تاریخ روابط بین الملل، آزمون برتر سازمان های بین المللی، درس نامۀ جامع علوم سیاسی، نکته و تست علوم سیاسی، درس نامۀ روابط بین الملل و نکته و تست روابط بین الملل، تست اصول روابط بین الملل، زبان تخصصی علوم سیاسی، آزمون یار دیپلماسی، نکته و تست دیپلماسی، آزمون یار مطالعات منطقه ای ، آزمون یار اندیشه های سیاسی، بانک سوالات دکتری علوم سیاسی**، با درخواست های متعدد دانشجویان جهت تألیف کتابی جامع برای حقوق بین الملل مواجه بودیم. چرا که در این زمینه کتابی آنچنان که باید نگاشته نشده است و اغلب پاسخ ها بدون ذکر منبع و یا به صورت تستی و گاهاً اشتباه ارائه شده بودند. لذا جهت تألیف این کتاب یک سال وقت صرف شد، امروز با افتخار می توانیم بگوییم که این کتاب به صورت کاملا تشریحی و با ارجاع دقیق به صفحات کتب مرجع چاپ جدید به دانشجویان عزیز ارائه شده است . داوطلب با مطالعه ی کل سوالات که بیش از ۲۰۰۰ سوال مفهومی است به همراه مطالعه توضیحات کامل و دقیق به دو کتاب منبع یعنی کتاب **حقوق بین الملل عمومی و بایسته های حقوق بین الملل عمومی** مسلط شده و می تواند در کنکور درصد بالایی کسب کند. همچنین خلاصه ای از نکات کلیدی دو کتاب نیز آورده شده که در روز های منتهی به کنکور با خواندن این خلاصه، نکات مهم دو کتاب برای دانشجو مرور خواهد شد.

در این مسیر لازم است از سرکار خانم **پریسا پسیانی** از دانشجویان رتبه برتر ارشد ۱۴۰۰ ،از دانشجویان قبولی گرایش دیپلماسی دانشگاه تهران و از اعضای تیم تألیف کتب کنکوری، که در تألیف این کتاب با ما همکاری نموده و در آینده نیز همکاری خواهند داشت، تشکر نمایم. بی شک بدون تلاش های ایشان این امر میسر نبود.

دانشجویان عزیز متقاضی شرکت در آزمون های ارشد و دکتری علوم سیاسی در تمامی گرایش ها می توانند با کانال تلگرامی مشاوره ما با ۱۷۰۰۰ عضو و آیدی اینجانب جهت دریافت مشاوره و برنامه ریزی در ارتباط باشند. همچنین عزیزان می توانند کارنامه های قبولی سال های گذشته را در صفحه اینستاگرام مشاهده کنند.

در پایان بر خود لازم می دانم از خانم سرکار **مهسا حسینی** از دانشجویان برتر رشته علوم سیاسی و مدیر تیم ترجمه ی ما که زحمت ویراستاری را برعهده داشتند و تمامی افرادی که در تهیه این کتاب نقش داشته اند تشکر نمایم.

علی صفیارپور

رتبه یک مجموعه علوم سیاسی و روابط بین الملل

آیدی کانال **تلگرامی** علی صفیارپو **t.me/Politicsman**

آیدی **تلگرامی** جهت مشاوره علی صفیارپور **@Alisafyarpoor71**

آدرس صفحه **اینستاگرام** مشاوره ارشد و دکتری علوم سیاسی **politicsman_1400**

بخش اول نمونه سوالات تالیفی

۱. ریشه لغوی کلمه حقوق بین الملل به چه مفهومی برمی گردد؟

۱) ریشه این لغت به کلمه فرانسوی droit des gens بازمی گردد. این کلمه به حقوق مدنی نزدیک تر است و به همین صورت وارد دیگر زبان ها شده است.

۲) ریشه این لغت به کلمه یونانی droit des gens بازمی گردد. این کلمه به حقوق ملل نزدیک تر است، به همین صورت وارد دیگر زبان ها شده است.

۳) ریشه این لغت به کلمه لاتین jus gentium بازمی گردد. این کلمه به حقوق ملل نزدیک تر است و به همین صورت وارد دیگر زبان ها شده است.

۴) ریشه این لغت به کلمه فرانسوی jus gentium بازمی گردد. این کلمه به حقوق مدنی نزدیک تر است و به همین صورت وارد دیگر زبان ها شده است.

۲. مفهوم Jus gentium در حقوق روم چه حقوقی را در برمیگیرد؟

۱) در حقوق روم این کلمه برابر با مفهوم حقوق مدنی که به معنای قواعد حاکم بر روابط بین دولت ها در زمینه های خصوصی و عمومی است، می باشد که اتباع و شهروندان بیگانه را در برمی گیرد.

۲) در حقوق روم این کلمه در برابر مفهوم حقوق مدنی که به معنای قواعد حاکم بر روابط بین دولت ها در زمینه های خصوصی و عمومی است، می باشد که اتباع بیگانه و غیر شهروندان را نیز در برمی گیرد.

۳) در حقوق روم این کلمه در برابر مفهوم حقوق مدنی که به معنای قواعد حاکم در داخل دولت ها در زمینه های خصوصی و عمومی است، می باشد که اتباع و شهروندان را در برمی گیرد.

۴) در حقوق روم این کلمه برابر با مفهوم حقوق مدنی که به معنای قواعد حاکم در داخل دولت ها در زمینه های خصوصی و عمومی است، می باشد و اتباع و شهروندان را در برمی گیرد.

۳. مفهوم Jus gentium چه تفاوتی با حقوق بین الملل معاصر دارد؟

۱) این مفهوم به معنای قوانین امپراتوری روم در روابط مبتنی بر توافق با دیگری بوده است اما حقوق بین الملل شامل روابط دولت ها با دیگر کشور ها و اتباع دیگر می باشد.

۲) این مفهوم به معنای مقررات بین المللی امپراتوری روم در روابط مبتنی بر توافق با دیگری بوده است اما حقوق بین الملل شامل روابط دولت ها با دیگر کشور ها و اتباع دیگر می باشد.

۳) این مفهوم به معنای مقررات بین المللی امپراتوری روم در روابط با دیگر کشورها و اتباع بیگانه بوده است اما حقوق بین الملل مبتنی بر توافق و رضایت دولت ها می باشد.

۴) این مفهوم به معنای قوانین امپراتوری روم در روابط با دیگر کشورها و اتباع بیگانه بوده است اما حقوق بین الملل مبتنی بر توافق و رضایت دولت ها می باشد.

۴. چه کسی برای اولین بار قواعد و مقرات حقوق بین الملل را بیان کرده است؟

۱) فیلسوف و حقوقدان هلندی گروسیوس در قرن هفدهم در کتاب خود به نام مقدمه ای بر اصول اخلاق و قانون قواعد و مقررات حقوق بین الملل را بیان کرده است.

۲) فیلسوف و حقوقدان هلندی گروسیوس در قرن هفدهم در کتاب خود به نام حقوق جنگ و صلح قواعد و مقررات حقوق بین الملل را بیان کرده است.

۳) فیلسوف و حقوقدان انگلیسی جرمی بنتام در قرن هفدهم در کتاب خود به نام مقدمه ای بر اصول اخلاق و قانون قواعد و مقررات حقوق بین الملل را بیان کرده است.

۴) فیلسوف و حقوقدان انگلیسی جرمی بنتام در قرن هفدهم در کتاب خود به نام حقوق جنگ و صلح قواعد و مقررات حقوق بین الملل را بیان کرده است.

۵. هر کدام از دانشمندان زیر برای معرفی حقوق بین الملل از چه مفهومی استفاده می کردند؟ (هگل- گروسیوس- مابل- پاسکال فیور)

۱) حقوق سیاسی خارجی، حقوق جنگ و صلح، حقوق عمومی اروپا، حقوق نوع بشر

۲) حقوق سیاسی خارجی، حقوق بین الدول، حقوق عمومی اروپا، حقوق نوع بشر

۳) حقوق سیاسی خارجی، حقوق بین الدول، حقوق عمومی و خصوصی اروپا، حقوق نوع بشر

۴) حقوق بین الدول، حقوق جنگ و صلح، حقوق عمومی و خصوصی اروپا، حقوق نوع بشر

۶. اصطلاح حقوق بین الملل به شکل امروزی توسط چه کسی و در چه کتابی برای اولین بار به کار برده شد؟

۱) این اصطلاح برای اولین بار توسط جرمی بنتام فیلسوف انگلیسی در سال ۱۷۸۰ در کتاب مقدمه ای بر اصول اخلاق و قانون به کار برده شد.

۲) این اصطلاح برای اولین بار توسط امانوئل کانت فیلسوف آلمانی در سال ۱۷۸۰ در کتاب مقدمه ای بر اصول اخلاق و قانون به کار برده شد.

۳) این اصطلاح برای اولین بار توسط جرمی بنتام فیلسوف انگلیسی در سال ۱۷۸۰ در کتاب بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق به کار برده شد.

۴) این اصطلاح برای اولین بار توسط امانوئل کانت فیلسوف آلمانی در سال ۱۷۸۰ در کتاب بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق به کار برده شد.

۷. تعاریف ارائه شده مربوط به حقوق بین الملل به چند دسته تقسیم می شود؟

۱) دو دسته، دسته اول کسانی که معتقدند حقوق بین الملل تنها حاکم بر روابط بین دولت ها است و دسته دوم کسانی هستند که تنها افراد را تابعین حقوق بین الملل می دانند.

۲) چهار دسته، دسته اول کسانی که معتقدند حقوق بین الملل مجموعه قوانین حاکم بر روابط بین دولت ها است، دسته دوم تنها افراد را تابعین حقوق بین الملل دانسته و دسته سوم هم دولت ها و هم افراد را تابعین حقوق بین الملل می دانند اما سازمان های بین المللی در این تعریف نیامده است. و دسته چهارم هر سه موجودیت افراد، دولت و سازمان های بین المللی را در زمره تابعین حقوق بین الملل می دانند.

۳) چهار دسته، دسته اول کسانی که معتقدند حقوق بین الملل مجموعه قوانین حاکم بر روابط بین دولت ها است، دسته دوم تنها افراد را تابعین حقوق بین الملل دانسته و دسته سوم هم دولت ها و هم سازمان ها را تابعین حقوق بین الملل می دانند اما افراد در این تعریف نیامده است. و دسته چهارم هر سه موجودیت افراد، دولت و سازمان های بین المللی را در زمره تابعین حقوق بین الملل می دانند.

۴) سه دسته، دسته اول معتقدند که حقوق بین بین الملل مجموعه قوانین حاکم بر روابط بین دولت ها است، دسته دوم تنها افراد را تابعین حقوق بین الملل دانسته و دسته سوم معتقدند که تابعیت حقوق بین الملل هم شامل دولت هاست و هم سایر موجودیت ها مثل افراد و سازمان ها.

۸. هر کدام از نظریه پردازان زیر طرفدار کدام یک از تعاریف ارائه شده از حقوق بین الملل هستند؟ (دوگی، کلسن، ژرژسل، آنزیلوتی، اوپنهایم)

۱) افراد تابعین حقوق بین الملل هستند. دولت ها، افراد و سازمان های بین المللی را تابعین حقوق بین الملل هستند. افراد تابعین حقوق بین الملل هستند. دولت ها تابعین حقوق بین الملل هستند. افراد تابعین حقوق بین الملل هستند.

۲) افراد تابعین حقوق بین الملل هستند. دولت ها، افراد و سازمان های بین المللی را تابعین حقوق بین الملل هستند. دولت ها، افراد و سازمان های بین المللی تابعین حقوق بین الملل هستند. دولت ها تابعین حقوق بین الملل هستند. افراد تابعین حقوق بین الملل هستند.

۳) افراد تابعین حقوق بین الملل هستند. دولت ها، افراد و سازمان های بین المللی را تابعین حقوق بین الملل هستند. افراد تابعین حقوق بین الملل هستند. دولت ها تابعین حقوق بین الملل هستند. دولت ها تابعین حقوق بین الملل هستند.

۴) دولت ها تابعین حقوق بین الملل هستند. دولت ها، افراد و سازمان های بین المللی را تابعین حقوق بین الملل هستند. دولت ها، افراد و سازمان های بین المللی تابعین حقوق بین الملل هستند. دولت ها تابعین حقوق بین الملل هستند. دولت ها تابعین حقوق بین الملل هستند.

۹. طرفدارن مکتب جامعه شناسی حقوق چه کسانی را تابعین حقوق بین الملل می دانند؟

۱) طرفداران این مکتب افراد را تابعین حقوق بین الملل می دانند و معتقدند که قواعد حقوق بین الملل باید با تکیه بر نیازهای اجتماعی افراد در جامعه بین المللی تنظیم شود.

۲) طرفداران این مکتب افراد و دولت ها را تابعین حقوق بین الملل می دانند و معتقدند که قواعد حقوق بین الملل باید با تکیه بر نیازهای اجتماعی افراد در جامعه بین المللی تنظیم شود.

۳) طرفداران این مکتب افراد و دولت ها را تابعین حقوق بین الملل می دانند و معتقدند که قواعد حقوق بین الملل باید با تکیه بر نیازهای اجتماعی افراد در جامعه بین المللی و منطبق با روابط دولت ها با یکدیگر تنظیم شود.

۴) طرفداران این مکتب افراد را تابعین حقوق بین الملل می دانند و برای آنها شخصیت حقوقی قائلند و معتقدند که قواعد حقوق بین الملل باید با تکیه بر نیازها و ضروریات اجتماعی افراد در جامعه بین المللی و منطبق با روابط دولت ها با یکدیگر تنظیم شود.

۱۰. کلسن، کاواره و شارل روسو که سومین تعریف را از حقوق بین الملل ارائه می دهند، تابعین اصلی حقوق بین الملل را چه موجودیت هایی می دانند؟

۱) این دسته معتقدند که تابعین اصلی حقوق بین الملل افراد هستند، اما دولت ها و سازمان های بین المللی نیز جز تابعین حقوق بین الملل بشمار می آیند.

۲) این دسته معتقدند که تابعین اصلی حقوق بین الملل سازمان های بین المللی هستند، اما افراد و دولت ها نیز جز تابعین حقوق بین الملل بشمار می آیند.

۳) این دسته معتقدند که تابعین اصلی حقوق بین الملل دولتها هستند، اما افراد وسازمان های بین المللی نیز جز تابعین حقوق بین الملل بشمار می آیند.

۴) این دسته معتقدند که تابعین حقوق بین الملل دولتها، افراد و سازمان های بین الملل هستند و هر سه دارای جایگاهی برابر در حقوق بین الملل می باشند.

۱۱. از میان تعاریف ارائه شده از حقوق بین الملل (تابعین حقوق بین الملل تنها دولت ها هستند، تابعین حقوق بین الملل تنها افراد هستند، تابعین حقوق بین الملل دولت ها، افراد و سازمان های بین المللی هستند) کدام با رویه قضایی بین الملل منطبق می باشد؟

۱) دسته اول که تابعین حقوق بین الملل را دولت ها می داند نسبت به بقیه نظریات با رویه قضایی بین المللی منطبق تر می باشد و این نظریه مبتنی بر رویه دولت ها به عنوان تابعین اصلی حقوق بین الملل می باشد.

۲) دسته دوم که تابعین حقوق بین الملل را افراد می داند نسبت به بقیه نظریات با رویه قضایی بین المللی منطبق تر می باشد و این نظریه مبتنی بر نیازها و ضروریات افراد به عنوان تشکیل دهندگان جامعه بین المللی می باشد.

۳) دسته سوم که تابعین حقوق بین الملل را هر سه موجودیت دولت ها، افراد و سازمان های بین المللی می داند نسبت به بقیه نظریات با رویه قضایی بین المللی منطبق تر می باشد و این نظریه جامع تر و منطبق با رویه دولت ها به عنوان تابعین اصلی حقوق بین الملل می باشد.

۴) با توجه به پیشرفت جامعه بین المللی و ظهور دیگر موجودیت ها مانند شرکت های چند ملیتی، این سه نظریه پاسخگو و منطبق با نیاز ها و رویه های قضایی بین المللی نمی باشد و نظریات جدیدی باید در اینباره مطرح شود.

۱۲. کدام یک از گزینه های زیر می تواند تعریفی جامع از حقوق بین الملل باشد؟

۱. حقوق بین الملل شامل قواعدی است که طرز تشکیل و وظایف سازمانهای بین المللی و روابط این سازمانها را با یکدیگر و با دولت ها و با افراد را تعیین می کند.

۲. حقوق بین الملل شامل قواعدی است که طرز تشکیل و وظایف سازمانهای بین المللی و روابط این سازمانها را با یکدیگر و با دولت ها و حقوق و تکالیف افراد را تعیین می کند.

۳. حقوق بین الملل مجموعه اصول و قواعدی است که دولت ها یعنی اعضای اصلی جامعه بین المللی خود را ملزم به رعایت آنها می دانند و در روابط با یکدیگر اجرا می کنند و گزینه ۱.

۴. حقوق بین الملل مجموعه اصول و قواعدی است که دولت ها یعنی اعضای اصلی جامعه بین المللی خود را ملزم به رعایت آنها می دانند و در روابط با یکدیگر اجرا می کنند و گزینه ۲.

۱۳. حقوق بین الملل شامل چه قواعدی می باشد؟

۱) قواعدی که دولت ها در روابط متقابل خود و روابط با سازمان های بین المللی ملزم به اجرای آنها هستند.
۲) قواعد مربوط روابط سازمانهای بین المللی با یکدیگر.
۳) قواعدی که به موجب آنها حقوق و تکالیف بین المللی برای افراد ایجاد می شود.
۴) تمامی گزینه ها صحیح می باشد.

۱۴. کلسن، حقوقدان اتریشی، حقوق بین الملل را به چند قسمت تقسیم می کند؟

۱) حقوق بین الملل عام که شامل اصول کلی ناظر بر روابط کلیه دولت ها در جامعه بین المللی است، و حقوق بین الملل خاص که شامل قواعدی است که صرفا بین دو یا چند کشور اعمال می‌شود.
۲) حقوق بین الملل عام که شامل اصول کلی ناظر بر روابط کلیه اعضای جامعه بین المللی است، و حقوق بین الملل خاص که شامل قواعدی است که در مورد حقوق افراد مانند حقوق بشر اعمال می شود.
۳) حقوق بین الملل عام که شامل اصول کلی ناظر بر روابط کلیه اعضای جامعه بین المللی است، و حقوق بین الملل خاص که شامل قواعدی است که صرفا بین دو یا چند کشور اعمال می شود.
۴) حقوق بین الملل عام که شامل اصول کلی ناظر بر روابط کلیه دولت ها در جامعه بین المللی است، و حقوق بین الملل خاص که شامل قواعدی است که در مورد حقوق افراد مانند حقوق بشر اعمال می شود.

۱۵. مفهوم حقوق بین الملل جهانی توسط چه کسی به انواع حقوق بین الملل اضافه شد؟

۱) اپنهایم حقوقدان انگلیسی حقوق بین الملل جهانی را به حقوق بین المللی عام و خاص اضافه نمود، که منظور قواعدی است که رعایت آن برای کلیه دولت ها الزامی است.
۲) تری پل حقوقدان انگلیسی حقوق بین الملل جهانی را به حقوق بین المللی عام و خاص اضافه نمود، که منظور قواعدی است که رعایت آن برای کلیه دولت ها الزامی است.
۳) اپنهایم حقوقدان انگلیسی حقوق بین الملل جهانی را به حقوق بین المللی عام و خاص اضافه نمود، که منظور قواعدی است که رعایت آن برای دولت ها، افراد و سازمان های بین المللی الزامی است.
۴) تری پل حقوقدان انگلیسی حقوق بین الملل جهانی را به حقوق بین المللی عام و خاص اضافه نمود، که منظور قواعدی است که رعایت آن برای دولت ها، افراد و سازمان های بین المللی الزامی است.

۱۶. طبق نظر کنوانسیون ۱۹۶۹ وین، قواعد الزام آور چه نوع قواعدی هستند؟

۱) قواعد اجباری و الزام آور بین المللی قواعد آمره ای هستند که توسط کلیه اعضای جامعه بین المللی پذیرفته و مورد قبول می باشد.
۲) قواعد اجباری و الزام آور بین المللی قواعدی هستند که توسط کلیه اعضای جامعه بین المللی پذیرفته و مورد قبول می باشد.
۳) قواعد اجباری و الزام آور بین المللی قواعدی هستند که توسط جامعه بین المللی دولت ها پذیرفته و مورد قبول می باشد.
۴) قواعد اجباری و الزام آور بین المللی قواعد آمره ای هستند که توسط جامعه بین المللی دولت ها پذیرفته و مورد قبول می باشد.

۱۷. هر کدام از اصول زیر جز کدام از حقوق های بین المللی است؟

(منع بردگی، ژنوسید، مقررات کنوانسیون های ۱۹۹ ژنو راجع به رفتار با اسیران و زندانیان زمان جنگ و رفتار با مردم یا مجروحین جنگ، رسیدگی دیوان بین المللی دادگستری به اختلاف بین دول کلمبیا و پرو، تمامیت ارضی کشورها)

۱) حقوق بین الملل جهانی، حقوق بین الملل جهانی، حقوق بین الملل عام، حقوق بین الملل خاص، حقوق بین الملل جهانی.

۲) حقوق بین الملل جهانی، حقوق بین الملل عام، حقوق بین الملل عام، حقوق بین الملل خاص، حقوق بین الملل جهانی.

۳) حقوق بین الملل عام، حقوق بین الملل جهانی، حقوق بین الملل جهانی، حقوق بین الملل عام، حقوق بین الملل جهانی.

۴) حقوق بین الملل جهانی، حقوق بین الملل جهانی، حقوق بین الملل جهانی، حقوق بین الملل خاص، حقوق بین الملل جهانی.

۱۸. حقوق بین الملل عام و خاص از نظر اپنهایم چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

۱) حقوق بین الملل عام عبارت از قواعدی است که رعایت آن برای تعداد بسیاری از دولت ها، افراد و سازمان های بین المللی الزامی است، اما حقوق بین الملل خاص شامل قواعدی است که رعایت آن برای دو یا تعداد محدودی از دولت ها الزام آور است.

۲) حقوق بین الملل عام عبارت از قواعدی است که رعایت آن برای تعداد بسیاری از دولت ها الزامی است، اما حقوق بین الملل خاص شامل قواعدی است که رعایت آن برای دو یا تعداد محدودی از دولت ها الزام آور است.

۳) حقوق بین الملل عام عبارت از قواعدی است که رعایت آن برای تعداد بسیاری از دولت ها، افراد و سازمان های بین المللی الزامی است، اما حقوق بین الملل خاص شامل قواعدی است که رعایت آن برای دو یا تعداد محدودی از دولت ها و افراد آن دولت ها الزام آور است.

۴) حقوق بین الملل عام عبارت از قواعدی است که رعایت آن برای تعداد بسیاری از دولت ها الزامی است، اما حقوق بین الملل خاص شامل قواعدی است که رعایت آن دو یا تعداد محدودی از دولت ها و افراد آن دولت ها الزام آور است.

۱۹. دیوان بین المللی دادگستری هنگام رسیدگی به اختلاف بین دول کلمبیا و پرو در موضوع پناهدگی سیاسی در سال ۱۹۵۰ در مورد قواعد خاص چه شروطی را قرار داده است؟

۱) قواعد خاص نباید مخالف با قواعد عمومی بین المللی باشند و باید مکمل آن باشند.

۲) قواعد خاص نباید مخالف با قواعد داخلی کشور ها باشند و باید مکمل آن باشند.

۳) دادگاه بین المللی باید آثار حقوقی قواعد خاص را بین دولت هایی که در ناحیه معینی قرار گرفته اند مورد قبول قرار دهند و در حل اختلافات دول مزبور به آن استناد کند و گزینه ۱.

۴) دادگاه بین المللی باید آثار حقوقی قواعد خاص را بین دولت هایی که در ناحیه معینی قرار گرفته اند مورد قبول قرار دهند و در حل اختلافات دول مزبور به آن استناد کند و گزینه ۲.

۲۰. جامعه بین المللی دارای چه خصوصیت یا خصوصیت هایی می باشد؟

۱) جامعه بین المللی جامعه ای است که از لحاظ جغرافیایی متفاوت و مختلف است.
۲) جامعه بین المللی جامعه ای است که از لحاظ اجتماعی واحد است.
۳) جامعه بین المللی جامعه ای است که از لحاظ حقوقی مساوی است.
۴) جامعه بین المللی جامعه ای است که از لحاظ جغرافیایی واحد است. جامعه بین المللی جامعه ای است که از لحاظ اجتماعی واحد است. جامعه بین المللی جامعه ای است که از لحاظ حقوقی متفاوت و مختلف است.

۲۱. اعضای جامعه بین المللی از لحاظ حقوقی دارای چه تفاوت هایی باهم هستند؟

۱) جامعه بین المللی به دلیل عدم تساوی واقعی در روابط بین دولتها، دارای تفاوت میان حقوق واحدهای تشکیل دهنده آن می باشد.
۲) جامعه بین المللی علارغم تساوی واقعی در روابط بین دولتها، دارای تفاوت میان حقوق واحدهای تشکیل دهنده آن می باشد.
۳) جامعه بین المللی به دلیل تساوی واقعی در روابط بین دولتها، دارای تساوی حقوقی میان واحد های تشکیل دهنده آن می باشد.
۴) جامعه بین المللی علیرغم عدم تساوی واقعی در روابط بین دولتها، دارای تساوی حقوقی میان واحدهای تشکیل دهنده آن می باشد.

۲۲. کدام یک از گزینه های زیر باعث ضعف حقوق بین الملل شده اند که باعث شده این رشته به اهداف خود مانند صلح و امنیت بین المللی نرسد؟

۱) جامعه بین المللی به دلیل عدم برخورداری از نهادهای قانونگذاری، اجرایی و قضایی مناسب نتوانسته خود را با تحولات جامعه بین المللی و نیازهای آن وفق دهد.
۲) حقوق بین الملل عمومی با مشکل سازش قواعد بین المللی و قواعد داخلی روبرو است.
۳) حقوق بین الملل به دلیل عدم وجود وجود نهادهای قانونگذاری، قضایی و اجرایی نتوانسته خلاهای خود را برطرف سازد و گزینه ۱ و ۲.
۴) حقوق بین الملل دارای کثرت و تنوع در موضوعات مطروحه می باشد و به دلیل عدم تحولات سریع در قواعد خود با ضعف رو به رو است و گزینه ۳.

۲۳. کدام یک از گزینه های زیر دلیلی است که حقوق بین الملل نتوانسته است خود را با تحولات جامعه بین المللی وفق دهد؟

۱) حقوق بین الملل به دلیل کثرت و تحولات سریع موضوعات و قواعد خود نتوانسته خود را با تحولات جامعه بین المللی وفق بدهد.
۲) حقوق بین الملل به دلیل نارسا و منطقه ای و محلی بودن بخشی از قواعد خود نتوانسته خود را با تحولات جامعه بین المللی وفق بدهد.
۳) حقوق بین الملل به دلیل به دلیل محرومیت جامعه بین المللی از نهاد های قانون گذاری و اجرایی و قضایی سازمان یافته نتوانسته خود را با تحولات آن وفق بدهد.
۴) حقوق بین الملل به دلیل عدم تطابق تحولات سریع خود با تحولات جامعه بین المللی و نارسا بودن قواعد خود نتوانسته خود را با تحولات جامعه بین المللی وفق بدهد.

۲۴. چه موضوعی مانع از آن می شود که دولت ها قواعد حقوق بین الملل را بصورت کامل بپذیرند؟

۱) عرفی بودن اکثر قواعد حقوق بین الملل

۲) ایجاد قواعد حقوق بین الملل توسط سازمان های بین المللی و عدم تطابق با حاکمیت ملی دولت‌ها

۳) حاکمیت ملی دولت ها

۴) هماهنگی قواعد بین المللی با منافع دولت های بزرگ

۲۵. خلا و ضعف های حقوق بین الملل در صورت وجود چه مکانیسم هایی می توانست مانند حقوق داخلی رفع شود؟

۱) این نظام در صورت وجود نهادهای قانون گذار، قضایی و اجرایی می توانست خلاهای موجود در خود را مرتفع سازد.

۲) این نظام در صورت تابعیت کامل دولت ها از قواعدش یعنی از بین رفتن حاکمیت دولت ها می توانست خلاهای موجود در خود را مرتفع سازد.

۳) این نظام در صورت تابعیت کامل دولت ها از قواعدش یعنی کم شدن میزان حاکمیت دولت ها می توانست خلاهای موجود در خود را مرتفع سازد.

۴) این نظام در صورت تابعیت کامل دولت ها از قواعدش یعنی کم شدن میزان حاکمیت دولت ها و وجود نهادهای قانون گذار، قضایی و اجرایی می توانست خلاهای موجود در خود را مرتفع سازد.

۲۶. حقوق بین الملل و قواعد آن دارای چه خلا هایی می باشند که باعث ضعف این علم شده است؟

۱) ماهیت قواعد حقوق بین الملل عرفی وهمچنین حقوق موضوعه نارسا و کلی است.

۲) بخشی از قواعد عرفی حقوق بین الملل به دلیل محلی یا منطقه ای بودن آنها قابل تعمیم به سایر مناطق نیست.

۳) قواعد حقوق بین الملل براساس عرف در یک روند طولانی شکل گرفته است تشکیل عرف مستلزم عملکرد ثابت و یکسان دولتها در مدت زمان طولانی است اما نیازهای جامعه بین المللی روز به روز در حال تغییر و تحول اند و این قواعد عرفی نمی توانند خود را با تحولات آن منطبق سازند و گزینه ۱ و ۲.

۴) قواعد حقوق بین الملل براساس معاهدات در یک روند طولانی شکل گرفته است تشکیل این قواعد مستلزم عملکرد ثابت و یکسان دولتها در مدت زمان طولانی است اما نیازهای جامعه بین المللی روز به روز در حال تغییر و تحول اند و این قواعد عرفی نمی توانند خود را با تحولات آن منطبق سازند و گزینه ۱ و ۲.

۲۷. چه جریان های فکری در دکترین حقوق بین الملل کلاسیک مطرح شده است؟

۱) مکتب حقوق طبیعی و مکتب جامعه شناسی حقوقی

۲) مکتب حقوق ارادی و مکتب حقوق وضعی

۳) مکتب حقوق ارادی و مکتب حقوق موضوعی

۴) مکتب قاعده گرایی و مکتب جامعه شناسی حقوقی

۲۸. مطابق با اعتقاد پیروان مکتب حقوق وضعی، حقوق بین الملل بر چه مفهومی استوار است؟ و دارای چه گرایش هایی می باشد؟

۱) پیروان این نظریه معتقدند که حقوق بین الملل مبتنی بر اراده کلیه تابعین حقوق بین الملل است و خود شامل ۳ گرایش می باشد: ۱. گرایش تحدید ارادی، ۲، گرایش اراده مشترک، ۳. گرایش حقوق وضعی جدید.

۲) پیروان این نظریه معتقدند که حقوق بین الملل مبتنی بر اراده کلیه تابعین حقوق بین الملل است و خود شامل ۲ گرایش می باشد: ۱. گرایش تحدید ارادی، ۲، گرایش اراده مشترک.

۳) پیروان این نظریه معتقدند که حقوق بین الملل مبتنی بر اراده دولت ها است و خود شامل ۲ گرایش می باشد: ۱. گرایش تحدید ارادی، ۲، گرایش اراده مشترک.

۴) پیروان این نظریه معتقدند که حقوق بین الملل مبتنی بر اراده دولت ها است و خود شامل ۳ گرایش می باشد: ۱. گرایش تحدید ارادی، ۲، گرایش اراده مشترک، ۳. گرایش حقوق وضعی جدید.

۲۹. موزر به عنوان پیرو مکتب حقوق وضعی، حقوق بین الملل را شامل چه قواعدی می داند؟

۱) حقوق بین الملل شامل قواعدی است که از رسوم و عادات بین المللی و رویه دولت ها در مسایل بین المللی و منطقه ای سرچشمه گرفته و مبنای آن توافق دولت ها می باشد.

۲) حقوق بین الملل شامل قواعدی است که از رسوم و عادات بین المللی و رویه دولت ها در مسایل بین المللی سرچشمه گرفته و مبنای آن توافق دولت ها می باشد.

۳) حقوق بین الملل شامل قواعدی است که از رسوم و عادات بین المللی و رویه دولت ها در مسایل بین المللی و منطقه ای سرچشمه گرفته و مبنای آن توافق دولت ها بر قواعد عرفی می باشد.

۴) حقوق بین الملل شامل قواعدی است که از رسوم و عادات بین المللی و رویه دولت ها در مسایل بین المللی سرچشمه گرفته و مبنای آن توافق دولت ها بر قواعد عرفی می باشد.

۳۰. کدام یک از نظریه پردازان زیر منشا حقوق بین الملل را تعهدات بین المللی مبتنی بر اراده دولت ها می داند؟

۱) کانت معتقد است که منشأ حقوق بین الملل تعهدات بین المللی مبتنی بر اراده دولت ها است که به صورت قواعد عرفی و معاهدات بین المللی تجلی می یابند.

۲) دومارتنس معتقد است که منشأ حقوق بین الملل تعهدات بین المللی مبتنی بر اراده دولت ها است که به صورت قواعد عرفی و معاهدات بین المللی تجلی می یابند.

۳) دومارتنس معتقد است که منشأ حقوق بین الملل تعهدات بین المللی مبتنی بر اراده دولت ها است که به صورت قواعد عرفی تجلی می یابند.

۴) کانت معتقد است که منشأ حقوق بین الملل تعهدات بین المللی مبتنی بر اراده دولت ها است که به صورت قواعد عرفی تجلی می یابند.

۳۱. هر کدام از حقوقدانان زیر طرفدار کدام یک از گرایش های مکتب حقوق ارادی هستند؟ (تری پل، ایهرینگ، یلینک، آنزیلوتی)

۱) گرایش اراده مشترک، گرایش تحدید ارادی، گرایش تحدید ارادی، مکتب حقوق وضعی جدید.
۲) گرایش تحدید ارادی، گرایش تحدید ارادی، گرایش تحدید ارادی، مکتب حقوق وضعی جدید.
۳) گرایش تحدید ارادی ، گرایش اراده مشترک، گرایش تحدید ارادی، مکتب حقوق وضعی جدید.
۴) گرایش اراده مشترک، گرایش اراده مشترک، گرایش مکتب حقوق وضعی جدید، مکتب حقوق وضعی جدید.

۳۲. طبق نظر یلینک حقوقدان طرفدار گرایش تحدید ارادی، هنگام تعارض میان موجودیت دولت ها و حقوق بین الملل کدام یک دارای ارجحیت می باشد؟

۱) یلینک معتقد است که حقوق بین الملل تنها با موافقت دولت ها دارای اعتبار می شود اما در صورت تعارض میان موجودیت دولت و حقوق بین الملل به این دلیل که دولت برای حقوق بین الملل است، موجودیت حقوق بین الملل اولویت دارد.
۲) یلینک معتقد است که حقوق بین الملل تنها با موافقت دولت ها دارای اعتبار می شود و در صورت تعارض میان موجودیت دولت و حقوق بین الملل حتی با اینکه حقوق بین الملل برای دولت ها است، موجودیت حقوق بین الملل اولویت دارد.
۳) یلینک معتقد است که حقوق بین الملل تنها با موافقت دولت ها دارای اعتبار می شود و در صورت تعارضی بین موجودیت دولت و حقوق بین الملل به این دلیل که حقوق بین الملل برای دولت ها است، موجودیت دولت اولویت دارد.
۴) یلینک معتقد است که حقوق بین الملل تنها با موافقت دولت ها دارای اعتبار می شود و در صورت تعارضی بین موجودیت دولت و حقوق بین الملل با اینکه دولت برای حقوق بین الملل است، موجودیت دولت اولویت دارد.

۳۳. براساس نظریات یلینک، چگونه یک قاعده و معاهده بین المللی توسط دولت ها به مرحله اجرا در می آید؟

۱) دولت ها مقررات یک معاهده بین المللی را بصورت ارادی و اختیاری می پذیرند و دلیل پایبنبدی و التزام دولت ها به این معاهدات اهداف دولت روابط بین الملل می باشد.
۲) دولت ها مقررات یک معاهده بین المللی را بصورت ارادی و اختیاری می پذیرند و دلیل پایبنبدی و التزام دولت ها به این معاهدات اهداف دولت روابط بین الملل و اصل احترام به قرارداد ها می باشد.
۳) دولت ها مقررات یک معاهده بین المللی را بصورت ارادی و اختیاری می پذیرند و دلیل پایبنبدی و التزام دولت ها به این معاهدات اصل احترام به قرارداد ها می باشد.
۴) دولت ها مقررات یک معاهده بین المللی را بصورت ارادی و اختیاری می پذیرند و به دلیل همین اراده نامحدوی که برای دولت یلینک قائل شده است، نمی تواند دلیلی برای پایبندی دولت بر قراردادهای بین المللی ذکر نماید.

۳۴. طبق دیدگاه تری پل، قواعد حقوق بین الملل براساس چه نوع اراده ای شکل می گیرند؟

۱) تری پل معتقد است که قواعد حقوق بین الملل باید بر اساس اراده مشترک دولت ها ایجاد شود اما دولت ها می توانند در زمان تنظیم آن قاعده و حتی برای عدول از آن بر اساس اراده خود عمل نمایند.

۲) تری پل معتقد است که قواعد حقوق بین الملل باید بر اساس اراده مشترک دولت ها ایجاد شود اما دولت ها می توانند برای عدول از آن بر اساس اراده خود عمل نمایند.

۳) تری پل معتقد است که قواعد حقوق بین الملل باید بر اساس اراده مشترک دولت ها ایجاد شود و دولت ها فقط می توانند در تنظیم آن قاعده اراده خود را اعلام نمایند و نمی توانند در هر زمان از آن عدول نمایند.

۴) تری پل معتقد است که قواعد حقوق بین الملل باید بر اساس اراده مشترک دولت ها ایجاد شود و دولت ها نمی توانند در زمان تنظیم آن قاعده و حتی برای عدول از آن بر اساس اراده خود عمل نمایند.

۳۵. تری پل، نظریه پرداز گرایش اراده مشترک، چه مسئله ای را دلیل الزام دولت ها به رعایت قواعد حقوق بین الملل می داند؟

۱) تری پل متعقد است که ایجاد یک اراده مشترک توسط دولت ها برای ایجاد قاعده حقوقی خود به معنای این است که دولت ها خود را ملزم به اجرای آن قواعد می دانند.

۲) تری پل معتقد است که دولت ها به این دلیل که براساس بیان اراده خود باعث ایجاد قواعد حقوقی می شوند، رضایت خود را برای اجرای آن قواعد نیز به دنبال آن اعلام می نمایند.

۳) تری پل معتقد است که اراده مشترک دولت ها به معنای الزام آنان به اجرای قواعد حقوقی نمی باشد و باید یک نهاد قانونی براساس اراده مشترک دولت ها ایجاد شود که دولت ها را ملزم به رعایت این قواعد کند.

۴) تری پل نتوانسته این سوال را براساس اراده مشترک دولت ها توجیه نماید و اراده مشترک باعث پذیرش قواعد حقوق توسط دولت ها نمی شود.

۳۶. طبق دیدگاه مکتب حقوق وضعی جدید، دولت ها چگونه ملزم به رعایت قواعد حقوق بین الملل می شوند؟

۱) آنزیلوتی منشا اصلی حقوق بین الملل را مقتضیات زندگی اجتماعی می داند و معتقد است که برای الزام دولت ها به رعایت قواعد آن، اراده دولت ها در تشکیل قواعد باید جنبه شکلی داشته باشد.

۲) آنزیلوتی منشا اصلی حقوق بین الملل را مقتضیات زندگی اجتماعی می داند و معتقد است که برای الزام دولت ها به رعایت قواعد آن، اراده دولت ها در تشکیل قواعد باید جنبه ماهوی داشته باشد.

۳) آنزیلوتی منشا اصلی حقوق بین الملل را اراده دولت ها می داند و معتقد است که برای الزام دولت ها به رعایت قواعد آن، اراده دولت ها در تشکیل قواعد باید جنبه ماهوی داشته باشد.

۴) آنزیلوتی منشا اصلی حقوق بین الملل را اراده دولت ها می داند و معتقد است که برای الزام دولت ها به رعایت قواعد آن، اراده دولت ها در تشکیل قواعد باید جنبه شکلی داشته باشد.

۳۷. مکتب حقوق موضوعی به چه نظریاتی تقسیم شده است؟

۱) این مکتب حقوقی که مبنای حقوق بین الملل را مستقل از اراده دولت ها می داند دارای ۴ نظریه می باشد: ۱. مکتب حقوق طبیعی، ۲. مکتب قاعده گرایی، ۳. مکتب جامعه شناسی حقوقی، ۴. مکتب حقوق موضوعی جدید.

۲) این مکتب حقوقی که مبنای حقوق بین الملل را مقتضیات زندگی اجتماعی می داند دارای ۴ نظریه می باشد: ۱. مکتب حقوق طبیعی، ۲. مکتب قاعده گرایی، ۳. مکتب جامعه شناسی حقوقی، ۴. مکتب حقوق موضوعی جدید.

۳) این مکتب حقوقی که مبنای حقوق بین الملل را مستقل از اراده دولت ها می داند دارای ۳ نظریه می باشد: ۱. مکتب حقوق طبیعی، ۲. مکتب قاعده گرایی، ۳. مکتب جامعه شناسی حقوقی.

۴) این مکتب حقوقی که مبنای حقوق بین الملل را مقتضیات زندگی اجتماعی می داند دارای ۳ نظریه می باشد: ۱. مکتب حقوق طبیعی، ۲. مکتب قاعده گرایی، ۳. مکتب جامعه شناسی حقوقی.

۳۸. فلاسفه یونان و روم حقوق را ناشی از چه مورد یا مواردی می دانند؟

۱) فلاسفه یونان و روم که معتقد به مکتب حقوق موضوعی بودند، قواعد این حقوق را ناشی از قواعد الهی و آسمانی و تغییرناپذیر می دانند.

۲) فلاسفه یونان و روم که معتقد به مکتب حقوق موضوعی بودند، قواعد این حقوق را ناشی از فطرت و طبیعیت و تغییرناپذیر می دانند.

۳) فلاسفه یونان و روم که معتقد به مکتب حقوق طبیعی بودند، قواعد این حقوق را ناشی از قواعد الهی و آسمانی و تغییرناپذیر می دانند.

۴) فلاسفه یونان و روم که معتقد به مکتب حقوق طبیعی بودند، قواعد این حقوق را ناشی از فطرت و طبیعیت و تغییرناپذیر می دانند.

۳۹. مطابق با دیدگاه فرانسوا ویتوریا، مبنای حقوق بین الملل که بر روابط بین انسان ها تحمیل می شود چه می باشد؟

۱) ویتوریا مبنای حقوق بین الملل را حقوق طبیعی می داند که مجموعه قواعدی است که فطرت الهی میان ملتها تحمیل می کند و دولت ها با وجود آزادی مطلق در روابط با یکدیگر باید از قواعد حقوق ملل پیروی کنند.

۲) ویتوریا مبنای حقوق بین الملل را حقوق الهی و آسمانی می داند که مجموعه قواعدی است که عقل طبیعی میان ملتها تحمیل می کند و دولت ها با وجود آزادی مطلق در روابط با یکدیگر باید از قواعد حقوق ملل پیروی کنند.

۳) ویتوریا مبنای حقوق بین الملل را حقوق الهی و آسمانی می داند که مجموعه قواعدی است که فطرت الهی میان ملتها تحمیل می کند و دولت ها بدون آزادی مطلق در روابط با یکدیگر باید از قواعد حقوق ملل پیروی کنند.

۴) ویتوریا مبنای حقوق بین الملل را حقوق طبیعی می داند که مجموعه قواعدی است که عقل طبیعی میان ملتها تحمیل می کند و دولت ها بدون آزادی مطلق در روابط با یکدیگر باید از قواعد حقوق ملل پیروی کنند.

۴۰. فرانسیسکو سوآرز اقتدار دولت ها را به چه وسیله ای محدود می نماید؟

۱) فرانسیسکو معتقد است که اقتدار دولت ها به وسیله حقوق بین المللی و اخلاق محدود می شود.

۲) فرانسیسکو معتقد است که اقتدار دولت ها به وسیله جامعه بین المللی، اخلاق و حقوق محدود می شود.

۳) فرانسیسکو معتقد است که اقتدار دولت ها به وسیله جامعه بین المللی، اخلاق و طبیعت محدود می‌شود.

۴) فرانسیسکو معتقد است که اقتدار دولت ها به وسیله حقوق بین المللی، اخلاق و طبیعت محدود می شود.

۴۱. از نظر فرانسیسکو سوآرز منشا قانون طبیعی و حقوق ملل چیست؟

۱) از نظر او منشا قانون طبیعی، فطرت می باشد که غیر قابل تغییر و جهانی است اما حقوق ملل مجموعه قواعدی است که از عرف یا رفتار کشورهای مختلف پدیدار شده است.

۲) از نظر او منشا قانون طبیعی، عقل می باشد که غیر قابل تغییر و جهانی است اما حقوق ملل مجموعه قواعدی است که از عرف یا قوانین کشورهای مختلف پدیدار شده است .

۳) از نظر او منشا قانون طبیعی، عقل می باشد که غیر قابل تغییر و جهانی است اما حقوق ملل مجموعه قواعدی است که از عرف یا رفتار کشورهای مختلف پدیدار شده است.

۴) از نظر او منشا قانون طبیعی، فطرت می باشد که غیر قابل تغییر و جهانی است اما حقوق ملل مجموعه قواعدی است که از عرف یا قوانین کشورها پدیدار شده و برای تمام افراد، در تمام زمان ها و در تمام کشورها معتبر است.

۴۲. طبق نظر فرانسیکو سوآرز حقوق ملل چگونه اعتبار پیدا می کند؟

۱) او معتقد است که حقوق ملل تحت اراده بشر می باشد و زمانی اعتبار می یابد که خود را منطبق با قواعد حقوق طبیعی کند.

۲) او معتقد است که حقوق ملل تحت اراده بشر می باشد و زمانی اعتبار می یابد که میان حقوق طبعیی و اراده بشر هماهنگی ایجاد نماید.

۳) او معتقد است که حقوق ملل مستقل از اراده بشر می باشد و زمانی اعتبار می یابد که خود را منطبق با قواعد حقوق طبیعی کند.

۴) او معتقد است که حقوق ملل مستقل از اراده بشر می باشد و زمانی اعتبار می یابد که میان حقوق طبعیی و اراده بشر هماهنگی ایجاد نماید.

۴۳. گروسیوس عالم هلندی، در قرن ۱۶ میلادی و در زمانی که از توجیحات مذهبی حقوق طبیعی کاسته شد، اصل وفای به عهد و اصل جبران خسارت را در ذیل کدام قواعد قرار داده است؟

۱) او میان حقوق طبیعی و حقوق ارادی تفکیک ایجاد کرد و معتقد بود که حقوق ارادی با طبیعت عقلی و اجتماعی بشر مطابقت دارد و اصل وفای به عهد و اصل جبران خسارت ناشی از تقصیر را در ذیل قواعد طبیعی قرار داد.

۲) او میان حقوق طبیعی و حقوق ارادی تفکیک ایجاد کرد و معتقد بود که حقوق ارادی با طبیعت عقلی و اجتماعی بشر مطابقت دارد و اصل وفای به عهد و اصل جبران خسارت ناشی از تقصیر را در ذیل حقوق ارادی قرار داد.

۳) او میان حقوق طبیعی و حقوق ارادی تفکیک ایجاد کرد و معتقد بود که حقوق طبیعی با طبیعت عقلی و اجتماعی بشر مطابقت دارد و اصل وفای به عهد و اصل جبران خسارت ناشی از تقصیر را در ذیل قواعد طبیعی قرار داد.

۴) او میان حقوق طبیعی و حقوق ارادی تفکیک ایجاد کرد و معتقد بود که حقوق طبیعی با طبیعت عقلی و اجتماعی بشر مطابقت دارد و اصل وفای به عهد و اصل جبران خسارت ناشی از تقصیر را در ذیل حقوق ارادی قرار داد.

۴۴. گروسیوس چه تفاوت هایی میان حقوق طبیعی و وضعی قائل شده است؟

۱) گروسیوس حقوق طبیعی را منطبق با اراده دولت ها می دانست، درحالیکه معتقد بود منشا حقوق وضعی طبیعیت عقلی بشر می باشد و این حقوق در قواعد عرفی و معاهدات تجلی یافته است. او با بیان این تفاوت بیان می دارد که قواعد حقوق ملل باید از حقوق طبیعی پیروی کند.

۲) گروسیوس حقوق طبیعی را منطبق با طبعیت عقلی بشر می دانست، درحالیکه معتقد بود منشا حقوق وضعی اراده دولت ها می باشد و این حقوق در قواعد عرفی و معاهدات تجلی یافته است. او با بیان این تفاوت بیان می دارد که قواعد حقوق ملل باید از حقوق طبیعی پیروی کند.

۳) گروسیوس حقوق طبیعی را منطبق با اراده دولت ها می دانست، درحالیکه معتقد بود منشا حقوق وضعی طبیعیت عقلی بشر می باشد و این حقوق در قواعد عرفی و معاهدات تجلی یافته است. او با بیان این تفاوت بیان می دارد که قواعد حقوق ملل باید از حقوق وضعی پیروی کند.

۴) گروسیوس حقوق طبیعی را منطبق با طبیعیت عقلی بشر می دانست که این حقوق در قواعد عرفی و معاهدات تجلی یافته است، درحالیکه معتقد بود منشا حقوق وضعی اراده دولت ها می باشد. او با بیان این تفاوت بیان می دارد که قواعد حقوق ملل باید از حقوق وضعی پیروی کند.

۴۵. چه تفاوتی میان نظریات حقوق طبیعی کلاسیک و جدید وجود دارد؟

۱) نظریه حقوق طبیعی جدید برخلاف نظریه پیشین مبنای قواعد حقوقی را عقل بشری می داند اما هر دو نظریه قائل بر تغییرناپذیری آن قواعد هستند.

۲) نظریه حقوق طبیعی جدید برخلاف نظریه پیشین مبنای قواعد حقوقی را فطرت آدمی می داند اما هر دو نظریه قائل بر تغییرناپذیری آن قواعد هستند.

۳) هر دو نظریه مبنای قواعد حقوقی را عقل بشری می دانند اما نظریه حقوق طبیعی جدید قائل بر تغییرناپذیری آن قواعد است.

۴) هر دو نظریه مبنای قواعد حقوقی را عقل بشری می دانند اما نظریه حقوق طبیعی جدید قائل بر تغییرپذیری آن قواعد است.

۴۶. لوئی لوفور، حقوقدان فرانسوی پیرو مکتب حقوق طبیعی جدید، کدام یکی از گزینه های زیر را دلیلی می داند که باعث شده قواعد حقوق بر حقوق طبیعی و ارادی تکیه داشته باشد؟

۱) لوفور معتقد است که حس عدالت خواهی و برابر طلبی باعث شده است که قواعد حقوقی بر دو عنصر حقوق طبیعی (جنبه صوری) و حقوق وضعی (جنبه اساسی)، تکیه داشته باشند.

۲) لوفور معتقد است که حس عدالت خواهی و عقل بشری باعث شده است که قواعد حقوقی بر دو عنصر حقوق طبیعی (جنبه اساسی) و حقوق وضعی (جنبه صوری)، تکیه داشته باشند.

۳) لوفور معتقد است که طبعیت عقلی و اجتماع بشری باعث شده است که قواعد حقوقی بر دو عنصر حقوق طبیعی (جنبه صوری) و حقوق وضعی (جنبه اساسی)، تکیه داشته باشند.

۴) لوفور معتقد است که حس برابر طلبی و اجتماع بشری باعث شده است که قواعد حقوقی بر دو عنصر حقوق طبیعی (جنبه اساسی) و حقوق وضعی (جنبه صوری)، تکیه داشته باشند.

۴۷. هانس کلسن که هدف حقوق را تعیین وظایف و تکالیف افراد و اجتماعات می داند، ارزش و اعتبار هر قاعده را چگونه تعیین می کند؟

۱) ارزش و اعتبار هر قاعده بستگی به اراده دولت ها دارد، یعنی اراده دولت ها به عنوان یک قاعده اصلی و بنیادین است که اعتبار قواعد و اجرای آن بستگی به این اراده دارد.

۲) ارزش و اعتبار هر قاعده بستگی به نیاز های جامعه دارد، یعنی نیاز و ضرویت اجتماع به عنوان یک قاعده اصلی و بنیادین است که اعتبار قواعد و اجرای آن بستگی به این ضروریت دارد.

۳) ارزش و اعتبار هر قاعده بستگی به قاعده بالاتر خود که در راس این قواعد، نیاز اجتماع و اراده دولت وجود دارد که کل نظام باید این سلسله مراتب را رعایت نماید.

۴) ارزش و اعتبار هر قاعده بستگی به قاعده بالاتر خود که در راس این قواعد، قاعده بنیادین وجود دارد که کل نظام باید این سلسله مراتب را رعایت نماید.

۴۸. هانس کلسن چه شرطی را لازمه تشکیل نظام حقوقی در نظریه خود می داند؟ و او علم حقوق را چگونه علمی می داند؟

۱) شرط لازم براساس نظریات کلسن برای تشکیل نظام حقوقی وجود قاعده بنیادین که همان اصل وفای به عهد می باشد، نیاز است و علم حقوق نیز به صورت کلی علم وظیفه می باشد.

۲) شرط لازم براساس نظریات کلسن برای تشکیل نظام حقوقی وجود یک سلسله قواعد که راس آن اصل وفای به عهد می باشد، نیاز است و علم حقوق نیز به صورت کلی علم وظیفه می باشد.

۳) شرط لازم براساس نظریات کلسن برای تشکیل نظام حقوقی وجود یک سلسله قواعد که راس آن اصل وفای به عهد می باشد، نیاز است و علم حقوق نیز به صورت کلی علم تبعیت می باشد.

۴) شرط لازم براساس نظریات کلسن برای تشکیل نظام حقوقی وجود قاعده بنیادین که همان اصل وفای به عهد می باشد، نیاز است و علم حقوق نیز به صورت کلی علم تبعیت می باشد.

۴۹. مکتب جامعه شناسی حقوق با الهام از نظریات کدام یک از اندیشمندان زیر شکل گرفته است؟

۱) این مکتب با الهام از نظریات جامعه شناختی لئون دوگی و ژرژ سل تأسیس شد.
۲) این مکتب با الهام از نظریات جامعه شناختی حقوقی لئون دوگی و ژرژ سل تأسیس شد.
۳) این مکتب با الهام از نظریات جامعه شناختی حقوقی آگوست کنت و امیل دورکهایم تأسیس شد.
۴) این مکتب با الهام از نظریات جامعه شناختی آگوست کنت و امیل دورکهایم تأسیس شد.

۵۰. لئون دوگی براساس اصل همبستگی اجتماعی، وظیفه دولت را در علم حقوق چه مسئله ای می‌داند؟

۱) لئون دوگلی حقوق را ناشی از اراده دولت ها می داند و با قائل شدن شخصیت حقوقی برای دولت معتقد است که دولت پدیدآورنده حقوق می باشد.
۲) لئون دولگی حقوق را ناشی از زندگی اجتماعی می داند و بدون قائل شدن شخصیت حقوقی برای دولت معتقد است که دولت موظف به ابراز حقوق می باشد.
۳) لئون دوگلی حقوق را ناشی از اراده دولت ها می داند و بدون قائل شدن شخصیت حقوقی برای دولت معتقد است که دولت موظف به ابراز حقوق می باشد.
۴) لئون دولگی حقوق را ناشی از زندگی اجتماعی می داند و با قائل شدن شخصیت حقوقی برای دولت معتقد است که دولت پدیدآورنده حقوق می باشد.

۵۱. براساس نظریات ژرژسل حقوق و قواعد آن چگونه شکل می گیرند؟

۱) او بیان می دارد که حقوق ناشی از اراده دولت ها است اما قواعدش معلول مقتضیات اجتماعی و همبستگی گروه های مختلف است.
۲) او بیان می دارد که حقوق مربوط به اجتماع و ناشی از آن است و قواعدش نیز معلول مقتضیات اجتماعی و همبستگی گروه های مختلف است.
۳) او بیان می دارد که حقوق ناشی از اراده دولت ها است و قواعدش نیز معلول اراده دولت های مختلف و همبستگی آنان است.
۴) او بیان می دارد که حقوق مربوط به اجتماع و ناشی از آن است اما قواعدش نیز معلول اراده دولت های مختلف و همبستگی آنان است.

۵۲. نظام حقوقی مدنظر ژرژسل بر اساس چه اصولی شکل می گیرد؟

۱) هر نظام حقوقی براساس تلفیق دو اصل همبستگی مبتنی بر تشابه یعنی نیازهای مختلف ملت ها و اصل همبستگی مبتنی بر تقسیم کار که موجب تجانس گروه های مختلف اجتماعی می شود، ایجاد می شود.
۲) هر نظام حقوقی براساس تلفیق دو اصل همبستگی مبتنی بر تشابه که موجب تجانس گروه های مختلف اجتماعی می شود و اصل همبستگی مبتنی بر تقسیم کار یعنی نیازهای مختلف ملت ها، ایجاد می شود.
۳) هر نظام حقوقی براساس یکی از دو اصل همبستگی مبتنی بر تشابه که موجب تجانس گروه های مختلف اجتماعی می شود و اصل همبستگی مبتنی بر تقسیم کار یعنی نیازهای مختلف ملت ها، ایجاد می شود.
۴) هر نظام حقوقی براساس یکی از دو اصل همبستگی مبتنی بر تشابه یعنی نیازهای مختلف ملت ها و اصل همبستگی مبتنی بر تقسیم کار که موجب تجانس گروه های مختلف اجتماعی می شود، ایجاد می شود.

۵۳. برای بیان رابطه حقوق داخلی و حقوق بین الملل براساس نظر حقوقدانان چه نظریاتی ایجاد شده است؟

۱) برای تبیین رابطه حقوق داخلی و حقوق بین الملل سه نظریه برتری حقوق داخلی، برتری حقوق بین الملل، نظریه کلاسیک مطرح شده است.

۲) برای تبیین رابطه حقوق داخلی و حقوق بین الملل سه نظریه دوگانگی حقوقی، نظریه یگانگی حقوقی، نظریه کلاسیک مطرح شده است.

۳) برای تبیین رابطه حقوق داخلی و حقوق بین الملل سه نظریه دوگانگی حقوقی، نظریه یگانگی حقوقی، نظریه معاصر مطرح شده است.

۴) برای تبیین رابطه حقوق داخلی و حقوق بین الملل سه نظریه برتری حقوق داخلی، برتری حقوق بین الملل، نظریه معاصر مطرح شده است.

۵۴. نظریه مونیسم و دوآلیسم از نظریات رابطه میان حقوق داخلی و بین الملل، هر کدام توسط کدام مکتب ارائه شده اند؟

۱) پیروان مکتب حقوق وضعی به دلیل اصل قرار دادن اراده دولت ها نظام حقوقی داخلی و حقوق بین المللی را از هم تفکیک می نماید (دوآلیسم). اما پیروان مکتب حقوقی موضوعی به این دلیل که قواعد حقوقی را مبتنی بر عوامل خارج از اراده بشر می دانند قائل به وحدت نظام حقوقی یا مونیسم می باشند.

۲) پیروان مکتب حقوق وضعی به این دلیل که قواعد حقوقی را مبتنی بر عوامل خارج از اراده بشر می دانند قائل به وحدت نظام حقوقی یا مونیسم می باشند. اما پیروان مکتب حقوقی موضوعی به دلیل اصل قرار دادن اراده دولت ها نظام حقوقی داخلی و حقوق بین المللی را از هم تفکیک می نماید (دوآلیسم).

۳) پیروان مکتب حقوق وضعی به این دلیل که قواعد حقوقی را مبتنی بر عوامل خارج از اراده بشر می دانند نظام حقوقی داخلی و حقوق بین المللی را از هم تفکیک می نماید (دوآلیسم). اما پیروان مکتب حقوقی موضوعی به دلیل اصل قرار دادن اراده دولت ها قائل به وحدت نظام حقوقی یا مونیسم می باشند.

۴) پیروان مکتب حقوق وضعی به دلیل اصل قرار دادن اراده دولت ها قائل به وحدت نظام حقوقی یا مونیسم می باشند. اما پیروان مکتب حقوقی موضوعی به این دلیل که قواعد حقوقی را مبتنی بر عوامل خارج از اراده بشر می دانند نظام حقوقی داخلی و حقوق بین المللی را از هم تفکیک می نماید (دوآلیسم).

۵۵. نظریات یگانگی حقوقی و دوگانگی حقوقی هر کدام در نگاه به رابطه میان حقوق داخلی و حقوق بین المللی چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

۱) براساس نظریات دوالیسم ها حقوق داخلی و حقوق بین الملل دو نظام حقوقی کاملا مرتبط با یکدیگر هستند اما نظریه پردازان یگانگی حقوقی معتقند که قواعد حقوق داخلی و حقوق بین الملل مستقل از هم هستند.

۲) براساس نظریات دوالیسم ها حقوق داخلی و حقوق بین الملل دو نظام حقوقی کاملا برابر هستند اما نظریه پردازان یگانگی حقوقی معتقند که قواعد حقوق داخلی از حقوق بین الملل برتر می باشد.

۳) براساس نظریات دوالیسم ها حقوق داخلی و حقوق بین الملل دو نظام حقوقی کاملا مستقل از هم هستند اما نظریه پردازان یگانگی حقوقی معتقند که قواعد حقوق داخلی و حقوق بین الملل با یکدیگر مرتبط هستند.

۴) براساس نظریات دوالیسم ها نظام حقوق داخلی از حقوق بین الملل برتر می باشد اما نظریه پردازان یگانگی حقوقی معتقند که قواعد حقوق داخلی و حقوق بین الملل با یکدیگر برابر می باشند.

۵۶. طرفداران نظریه دوآلیسم، چه وظایفی برای دولت ها در قبال قواعد بین المللی قائل می باشند؟

۱) براساس این نظریه دولت ها موظف و ملتزم به رعایت قواعد بین المللی هستند و می توانند به طور اختیاری آن قواعد را وارد مقررات حقوق داخلی خود کنند.

۲) براساس این نظریه دولت ها موظف و ملتزم به رعایت قواعد بین المللی نیستند ولی باید آن قواعد را وارد مقررات حقوق داخلی خود کرده باشند.

۳) براساس این نظریه دولت ها موظف و ملتزم به رعایت قواعد بین المللی هستند و باید آن قواعد را وارد مقررات حقوق داخلی خود کنند.

۴) براساس این نظریه دولت ها موظف و ملتزم به رعایت قواعد بین المللی نیستند مگر اینکه به طور اختیاری آن قواعد را وارد مقررات حقوق داخلی خود کرده باشند.

۵۷. کدام یک از گزینه های زیر شامل دلایلی می باشد که طرفداران دوگانگلی حقوق برای تبین تفاوت میان حقوق داخلی و بین المللی به کار می برند؟

۱) از حیث تشکیلات و از نظر اعتبار

۲) از حیث تشکیلات یا از نظر اعتبار

۳) از لحاظ قلمرو قواعد حقوقی یا از نظر اعتبار

۴) از حیث تشکیلات و از لحاظ قلمرو قواعد حقوقی و از نظر اعتبار

۵۸. حقوق داخلی و بین المللی از نظر تشکیلات و قواعد مطابق با دیدگاه دوآلیست ها چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

۱) نبود قوای مقننه و مجریه در جامعه بین المللی باعث تمایز این جامعه از جامعه داخلی می شود، همچنین از لحاظ قلمرو قواعد حقوقی، قواعد حقوق بین الملل در جوامع مختلف قابل اجراست در حالی که قواعد حقوق داخلی محدود به قلمرو یک کشور است.

۲) نبود قوای مقننه، و مجریه در جامعه بین المللی باعث تمایز این جامعه از جامعه داخلی می شود، همچنین از لحاظ قلمرو قواعد حقوقی، قواعد حقوق بین الملل در سطح بین المللی و منطقه ای قابل اجراست در حالی که قواعد حقوق داخلی محدود به قلمرو یک کشور است.

۳) نبود قوای سه گانه (مقننه، قضاییه، مجریه) در جامعه بین المللی باعث تمایز این جامعه از جامعه داخلی می شود، همچنین از لحاظ قلمرو قواعد حقوقی، قواعد حقوق بین الملل در جوامع مختلف قابل اجراست در حالی که قواعد حقوق داخلی محدود به قلمرو یک کشور است.

۴) نبود قوای سه گانه (مقننه، قضاییه، مجریه) در جامعه بین المللی باعث تمایز این جامعه از جامعه داخلی می شود، همچنین از لحاظ قلمرو قواعد حقوقی، قواعد حقوق بین الملل در سطح بین المللی و منطقه ای قابل اجراست در حالی که قواعد حقوق داخلی محدود به قلمرو یک کشور است.

۵۹. براساس دیدگاه دوآلیست ها یا نظریه پردازان دوگانگی حقوقی، قواعد حقوق داخلی چگونه شکل می گیرند؟

۱) قواعد حقوق داخلی براساس اراده یک دولت شکل می گیرد که منابع آن قوانین مدون، عرف و عادات مسلم و رایج بین مردم یک کشور می باشد.

۲) قواعد حقوق داخلی براساس رضایت دولت ها شکل می گیرد که منابع آن قوانین مدون، عرف و عادات مسلم و رایج بین مردم یک کشور می باشد.

۳) قواعد حقوق داخلی براساس رضایت دولت ها شکل می گیرد که منابع آن قوانین مدون، عرف و عادات مسلم و رایج بین مردم یک کشور و یا معاهدات و عرف بین المللی می باشد.
۴) قواعد حقوق داخلی براساس اراده یک دولت شکل می گیرد که منابع آن قوانین مدون، عرف و عادات مسلم و رایج بین مردم یک کشور و یا معاهدات و عرف بین المللی می باشد.

۶۰. تابعین حقوق داخلی و حقوق بین المللی از نظر طرفداران دوگانگی حقوق هر کدام چه موجودیت هایی هستند و ضمانت اجرای هر کدام به ترتیب چگونه کسب می شود؟

۱) براساس این نظریه تابعین حقوق داخلی افراد و دولت ها می باشند که ضمانت اجرای خود را توسط مردم، دستگاه قضایی و اجرایی کشور بدست می آورند اما در حقوق بین الملل به جز افراد و دولت ها، سازمان های بین المللی عمده ترین تابعین حقوق بین الملل هستند که این قوانین فاقد ضمانت های اجرایی مؤثر می باشند.
۲) براساس این نظریه تابعین حقوق داخلی افراد می باشند که ضمانت اجرای خود را توسط دستگاه مردم، قضایی و اجرایی کشور بدست می آورند اما در حقوق بین الملل به جز افراد، دولتها و سازمان های بین المللی عمده ترین تابعین حقوق بین الملل هستند که این قوانین ضمانت ها خود را از طریق دیوان بین المللی دادگستری و شورای امنیت کسب می کنند.
۳) براساس این نظریه تابعین حقوق داخلی افراد و دولت ها می باشند که ضمانت اجرای خود را توسط دستگاه قضایی و اجرایی کشور بدست می آورند اما در حقوق بین الملل به جز افراد و دولت ها، سازمان های بین المللی عمده ترین تابعین حقوق بین الملل هستند که این قوانین فاقد ضمانت های اجرایی مؤثر می باشند.
۴) براساس این نظریه تابعین حقوق داخلی افراد می باشند که ضمانت اجرای خود را توسط دستگاه قضایی و اجرایی کشور بدست می آورند اما در حقوق بین الملل به جز افراد، دولتها و سازمان های بین المللی عمده ترین تابعین حقوق بین الملل هستند که این قوانین فاقد ضمانت های اجرایی مؤثر می باشند.

۶۱. براساس نظریات طرفدارن نظریه مونیسم یا یگانگی حقوق، رابطه بین حقوق داخلی و حقوق بین المللی چگونه شکل می گیرد؟

۱) براساس این نظریه در نظام حقوقی یک سلسله مراتبی براساس اصل تبعیت وجود دارد که باعث ارتباط دو نظام حقوق داخلی و بین المللی با یکدیگر می شود که در این ارتباط دو نظام حقوقی کاملا با یکدیگر برابر هستند.
۲) براساس این نظریه در نظام حقوقی یک سلسله مراتبی براساس اصل تبعیت وجود دارد که باعث ارتباط دو نظام حقوق داخلی و بین المللی می شود که در این ارتباط برخی معتقد به برتری حقوق داخلی و برخی معتقد به برتری حقوق بین الملل هستند.
۳) براساس این نظریه در نظام حقوقی یک هماهنگی براساس اصل برابری وجود دارد که باعث ارتباط دو نظام حقوق داخلی و بین المللی می شود که در این ارتباط دو نظام حقوقی کاملا با یکدیگر برابر هستند.
۴) براساس این نظریه در نظام حقوقی یک هماهنگی براساس اصل برابری وجود دارد که باعث ارتباط دو نظام حقوق داخلی و بین المللی می شود که که در این ارتباط برخی معتقد به اعمال حقوق داخلی و برخی معتقد به اعمال حقوق بین الملل هستند.